



اطلاعیه شماره ۱ کمپین علیه حجاب در ایران

اعلام موجودیت کمپین علیه حجاب در ایران

ضرورت راه اندازی این کمپین

امسال نیز از تاریخ ۲ اردیبهشت ۸۶ (۲۲ آوریل ۲۰۰۷) نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی اقدامات سرکوبگرانه وسیعی را در مقابل زنانی که حاضر به پذیرش حجاب نیستند به مرحله اجرا گذاشته است.



صفحه ۲

مبارزه علیه حجاب در ایران یک مبارزه و جنبش وسیع و همگانی در جامعه ایران است. جمهوری اسلامی هر روز در مواجهه با این نیرو و با میلیون ها زنی که نمیخواهند حجاب بر سر داشته باشند از سلاح سرکوب و زندان بازداشت و شلاق استفاده میکنند. جمهوری اسلامی اولین تعرض خود به انقلاب مردم ایران را با یورش به زنان و تحمیل حجاب به زنان آغاز کرد. از زمان اعلام حجاب اجباری در ایران (اسفند ۱۳۵۷) تا کنون زنان در یک مقیاس وسیع و اجتماعی علیه این سرکوب ارتجاعی مبارزه کرده اند. این مبارزه با گذشت بیش از دو دهه روز به روز ابعاد وسیعتری بخود میگیرد.

آناتومی جنبش علیه حجاب در ایران

فرشاد حسینی



قسمت اول: مولفه ها و مشخصات این جنبش

حجاب در ایران را ذکر کنیم. برخورد احزاب سیاسی و جریانات فمینیستی به این پدیده عینی و اجتماعی را مورد بررسی قرار داده و نقش و جایگاه این جنبش در کل جنبش برای آزادی و برابری و سرنگونی جمهوری اسلامی را مطرح کنیم. ضعف ها و کمبودهای این جنبش را برجسته ساخته و راههای فائق آمدن بر آن را بیان کنیم. همچنین در این بحث به دلایل و ریشه های سیاسی بی اعتنایی و انکار این جنبش در ایران نیز بطور خلاصه میپردازم.

صفحه ۴

در مورد جنبش علیه حجاب در ایران، مقاله و تحقیقات بسیار کمی توسط سایر گروهها و فعالین حقوق زنان نوشته شده. این در حالی است که در تاریخ معاصر ایران و نه تنها در ایران بلکه حتی در سطح بین المللی کمتر میتوان جنبشی چنین گسترده و فراگیر و در عین حال بدون پشتیبان و ناشناخته یافت. یکی از دلایل اصلی این بی اعتنایی، انکار وجود چنین جنبشی در ایران است. در این مقاله سعی میکنم جنبش علیه حجاب در ایران را با یک نگاه عمیق تری بررسی کنم. سرتیترها و خطوط پدیده جنبش علیه

میزگرد بی حجاب در مورد حمله رژیم به زنان و جوانان

گفتگو با مینا احدی و شهلا دانشفر پیرامون حمله رژیم به زنان و جوانان

مینا احدی

بی حجاب: رژیم اسلامی بار دیگر نیروهایش را در ابعاد وسیعی به خیابانها ریخته است، از روز اول اردیبهشت که روز شروع اجرای طرح مبارزه با بدحجابی است تا بحال صدها زن و دختر جوان را دستگیر کرده و به زنان و دختران در خیابانها حمله می کنند و وحشیانه مورد خشونت قرار می دهند. آیا فکر می کنید رژیم می تواند با اینکار زنان و جامعه را مرعوب کند و به عقب براند؟

مینا/احدی: ایها . جمهوری اسلامی سالهای سال است که تقلا میکند، جنبش عظیم زنان علیه حجاب را پس بزند. اصلا حمله به زنان و پس راندن آنها در عرصه تحمیل حجاب، یک بارومتر مهم سیاسی در ایران بوده و هست. هرگاه رژیم قصد قدرت نمایی داشته و هر گاه جنبش های اعتراضی دیگر عرصه را بر

جمهوری اسلامی تنگ کرده اند، رژیم حمله به زنان را شروع کرده است. این عرصه ای است که میتواند حکومت اسلامی قدر قدرتی کند. زنان را در گوشه و کنار خیابان تنها گیر انداخته و با نیروهای سرکوبگر و وحشی اش آنها را اذیت و آزار دهد. ولی حتی در این زمین و در این اوضاع نابرابر هم رژیم شکست خورده است. همان چند روز گذشته ، خبرنگاران حاضر در صحنه نوشتند که زنان اعتراض کرده و حتی اگر تنها بودند، به زنان حزب الهی و بقیه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی جواب داده اند. حتی در اراک خبر از درگیری وسیع زنان و دختران با نیروهای رژیم اسلامی بود. بنظر من یکبار دیگر حکومت اسلامی در مقابل چشم همه جامعه در این زمینه شکست خواهد خورد.

صفحه ۲

مبارزه با بد حجابی و موج اعتراضات در دانشگاه ها

نوید مینایی



مورد حمله قرار می گرفتند. ولی کل جامعه در مقابل این حملات ایستادگی می کند و دانشگاه هم بالطبع این مقابله ها را از خود بروز می دهد.



Photo: Hamid Harazi

صفحه ۶

این روزها بخشی از مبارزات مردم ایران برای آزادی و برابری و خلاصی از شر جمهوری اسلامی سرمایه داری در ایران که در دانشگاه ها در جریان است و به نام "جنبش دانشجویی" معروف شده است، شاهد تحرکات فوق العاده است. دانشگاه ها هم به عنوان بخشی از جامعه شاهد حملات سبوعانه حکومت اسلامی قرار گرفته اند و درست به همین دلیل است که بخشی از مبارزات اجتماعی در آن پیش می رود.

با شروع سال نو دانشجویان شاهد وضع مقررات جدید اسلامی ناظر بر روابط پسر و دختر و پوشش و آرایش و حتی رفت و آمد بودند. و این بار این فقط دختران نبودند که زیر فشار قرار می گرفتند، این بار برای مثال در دانشگاه شیراز دانشجویان پسر بودند که

زنده باد آزادی، زنده باد برابری

اعلام موجودیت کمپین علیه حجاب در ایران

جمع آوری شکایت
زنانی که مورد تعرض و آزار قرار گرفته یا
بازداشت شده اند
سازماندهی آکسیون های اعتراضی علیه
حجاب

اکتیویستها و فعالین و همکاران کمپین

اسامی کلیه فعالین اکتیویستها و همکاران و
حامیان کمپین به زودی جهت اطلاع عموم
اعلام میگردد.

دعوت به پیوستن و همکاری

کمپین از کلیه مردم شریف و آزادیخواه در
سراسر جهان میخواهد که به کمپین علیه
حجاب در ایران پیوسته و ما و جنبش وسیع
زنان علیه حجاب در ایران را مورد حمایت
قرار دهند. کمپین از هرکس که خواهان هر
نوع فعالیتی در جهت اهداف کمپین باشد
استقبال میکند. لطفا جهت همکاری با ما
تماس بگیرید.

آدرس های تماس با ما :

فرشاد حسینی:

farshadhoseini@yahoo.com
0031630414073

سهیلا شریفی:

sohailasharifi@yahoo.com
0044 771 91 11 738

آدرس ویلاگ کمپین:

http://nabehejab.blogfa.com

کمپین علیه حجاب در ایران

۹ اردیبهشت ۱۳۸۶ برابر با ۲۹ آوریل

ایران علیه حجاب در سطح بین المللی خواهد
بود.

اهداف کمپین

هدف دراز مدت کمپین، آزادی پوشش و لغو
حجاب در ایران میباشد.

هدف فوری کمپین پس زدن تعرض وسیع و
عنان گسیخته جمهوری اسلامی علیه زنان
به بهانه برخورد با بدحجابی است. جمهوری
اسلامی را باید وادار کرد که کلیه دسته جات
اویاش و مسلح خود را از خیابانها جمع کرده
و به این سرکوب وحشیانه و غیرانسانی خود
خاتمه دهد. این را تنها و تنها مبارزه وسیع و
سراسری زنان و مردان آزادیخواه و برابری
طلب در ایران و حمایت های وسیع بین المللی
افکار عمومی جهان میتواند تضمین کند.
کمپین تلاش میکند در هر کجای دنیا که
مقدور باشد این صدای بر حق زنان را
منعکس کرده و در نهادها و جوامع بین
المللی علیه جمهوری اسلامی و این اقدام
فاشیستی جمهوری اسلامی کیفرخواست
اعلام کند. کمپین تلاش میکند پلی برای
ایجاد همبستگی بین المللی سازمانها و
نهادهای مدافع حقوق زنان با مبارزه و
مقاومت زنان علیه حجاب اسلامی در ایران
باشد.

شکل فعالیت کمپین

شکل فعالیت این کمپین، شکل يك فعاليت
کمپینی است. که رتوس مهمترین اشکال
پیشبرد این کمپین شرح زیر میباشد:

بر اساس گزارشات خبری رسانه های جمهوری
اسلامی تنها در مدت ۴ روز (تا ۶
اردیبهشت ۲۶ آوریل) تعداد ۱۵۰۰۰۰ زن
تنها در شهر تهران به دلیل رعایت نکردن
حجاب اسلامی دستگیر شده یا تذکر گرفته
اند. بر اساس ابلاغیه نیروهای انتظامی در
اجرای طرح مبارزه با بدحجابی در ایران کلیه
زنانی که پوششی مانند شلوار کوتاه از مچ به
بالا، مانتوهای کوتاه و تنگ، لباسهای
چسبان و تنگ، شالهای روی سر که مو را به
طور کامل نپوشاند و مانتوهای آستین کوتاه
داشته باشند توسط نیروهای انتظامی
دستگیر میشوند.

این ابلاغیه تنها شامل زنان نمیشود و
مردانی که از نظر جمهوری اسلامی پوشش
مناسب نداشته باشند را نیز دستگیر و مورد
آزار و اذیت قرار میدهند.

جمهوری اسلامی اویاشان مسلح خود را در
خیابانهای تهران و سایر شهرهای ایران به جان
زنان انداخته است. اما مقاومت زنان علیه
تحمیل حجاب اجباری علیرغم فشارها و
تهدیدها و دستگیریها و آزار و اذیت های
شبانه روزی چشمگیر و قابل تحسین بوده
است.

زنان ایران در این مبارزه نابرابر نباید تنها
بمانند. اخبار و گزارشات سرکوب نیروهای
جمهوری اسلامی علیه زنان باید بطور
وسیعی در سطح افکار عمومی انتشار یافته
و موجی از همبستگی بین المللی را در
مقابل خواست برحق زنان برای آزادی پوشش
ایجاد کند. کمپین طنین صدای اعتراض زنان



شلا دانشفر

این انقلاب اگر متحقق شود تصویر دنیا را
عوض خواهد کرد.

بی حجاب: جامعه بین المللی و کسانی
مانند شما که چهره های شناخته شده هستید
چه کاری می توانید و در نظر دارید در حمایت
از مبارزات زنان و برای مقابله با این حمله
انجام دهید؟

مینا احدی: برای مقابله با حملات
وحشیانه رژیم اسلامی به زنان، در سطح بین
المللی باید و میتوان کارهای زیادی کرد.
بنظر من در وهله اول باید خبر این اوضاع را



از صفحه ۱

مینا احدی

میزگرد بی حجاب در مورد حمله رژیم به زنان و جوانان

قبلا اعتراض و غرولند و مزاح و جوک بر
علیه حکومتیها در جریان بود، امروز هزاران
نفر به خیابان می آیند، آخرین نمونه اعتراض
دو هزار دانشجو در شیراز است. جنبش
دانشجویی هم متحدانه و توده ای به میدان
می آید و همه چیز بر يك فضای اعتراضی و
انقلابی دلالت میکند. نکته مهم دیگر این
است که در همه این اعتراضات چپ و عدالت
خواهی و انسانگرایی چپ و اومانسیسم حاکم
است. این مبارزات با پرچم و شعارهای سرخ
به پیش برده می شوند و همین نشان دهنده
قدرت و زمینه قوی این مبارزات است. بنظر
من ایران در آستانه يك انقلاب مهم است و

مهمتر از آن از نظر من اوضاع در ایران بدلیل
وجود فضای اعتراضی و انقلابی متشنج
است. در ایران جنبش کارگری، مبارزات
گسترده و عظیم و بسیار جالب معلمان،
مبارزات دانشجویان و زنان، میرود که
طومار این حکومت را بهم پیچد. کم نیست
در يك جامعه هفتاد میلیونی و زیر سیطره
يك حکومت فاشیست اسلامی، در کشوری
که سردمداران اسلام سیاسی در آنجا
حکومت میرانند، مردم از این حکومت
ترسی نداشته باشند. پشم حکومتیها ریخته و
نه فقط این مردم بصورت گسترده و توده ای
علیه این حکومت به میدان آمده اند. اگر

بی حجاب: امسال بنظر می رسد فاکتورهای
دیگری هم در این معادله دخیل هستند،
فضای ملتهدب و اعتراضی جامعه،
اعتراضات معلمان و کارگران، فرا رسیدن اول
ماه مه، جنگ، غیره. نظر شما چیست؟

مینا احدی: دقیقا اینطور است. امسال حمله
به زنان در شرایط و اوضاع و احوال دیگری
است. بنظر من فاکتور فضای جنگی و
احتمال حمله به ایران و خطر يك حمله نظامی
, یکی از فاکتورها است که البته حکومت
سعی میکند از این فضای تشنج بیشترین
استفاده را کرده و مردم را عقب براند. اما

نه جنگ، نه بمب، نه حجاب!

بنظر من در وهله اول باید خبر این اوضاع را به دنیا مسخا بره کرد. چون هنوز هم تصویر غالب از ایران، در دنیا اینست که زنان خودشان حجاب می‌خواهند و فرهنگ اینها متفاوت است و غیره. ما باید با نشان دادن جنگ و گریزهای خیابانی و اعتراض زنان در همان محل نشان دهیم که اوضاع به نحو دیگری است. ما باید به جهانیان نشان دهیم که عرصه مبارزه علیه حجاب یک عرصه مهم در ایران است و حجاب واقعا پرچم اسلام سیاسی است. در عین حال من بفکر این هستم که کاری کنیم که در دنیا مردم به این رفتار شنیع حکومت اسلامی اعتراض کنند. همچنین ما میتوانیم از جمهوری اسلامی ایران بدلیل این رفتار وحشیانه و این حملات بیشرمانه به زنان، به مراجعی بین المللی مثل سازمان ملل و یا شورای اتحادیه اروپا شکایت کنیم. این کار امکان پذیر است و باید کاری کرد که دولتهای غربی و یا سازمان ملل را تحت فشار بگذاریم تا حکومت اسلامی را محکوم کنند.

شهلا دانشفر:

بی حجاب: چکار باید کرد؟ چگونه می توان متشکل و سازمانیافته با این حمله مقابله کرد؟

شهلا دانشفر: روشن است. باید در مقابل چنین تهاجمی ایستاد. باید آنرا عقب زد و جامعه نیز دارد همین کار را میکند. به نظر من به اجرا گذاشته شدن این طرح تا همین جا به یک اسکاندالی برای رژیم تبدیل شده است. خودشان دارند از شکست آن صحبت میکنند. از جمله یحیی محمدی نیا وزیر کشور اعلام کرد که اساسا اجرای این طرح درست نبوده و به نفع دولت نیست و هاشمی شاهرودی رییس قوه قضاییه در اولین گردهمایی استانداران سراسر کشور در رابطه با اجرای این طرح میگوید که کشاندن پای زنان و جوانان به کلاتری غیر از ضرر اجتماعی منفعتی ندارد و با این گفتار در واقع نگرانی خود را بیان میکند. به نظر من رژیم در اوج استیصال خود و از ترس به هم پیوستن اعتراضاتی که در سطح جامعه شاهدش هستیم، دست به اجرای این طرح زده است تا کل جامعه را مرعوب کند. واقعیت اینست که هر وقت رژیم میخواهد به کل جامعه حمله کند گله های حزب الله را به جان زنان می اندازد و طرح های مبارزه با بدحجابی و غیره را براه می اندازد. بعلاوه اینکه امروز مبارزه برای برداشتن حجابها این سمبل بربریت و پرچم جمهوری اسلامی، یک

عرصه مهم اعتراض در جامعه است و خود رژیم دارد از سیاسی شدن این موضوع و خطر آن برای نظامش سخن میگوید. بنابراین روشن است که چرا امروز اجرای چنین طرح ضربتی ای در دستور قرار میگیرد. رژیم هشت مارس را دیده است، چپ را دیده است، برافراشته شدن پرچم سوسیالیسم یا بربریت را دیده است و اینجا با به راه انداختن این بساط دارد بنوعی از موجودیتش، از هویتش دفاع میکند. اما در همین روز سه اول اجرای این طرح ناتوانی رژیم را بیش از پیش شاهدیم. دارند میگویند شکست خوردیم. باید آنرا به شکست قطعی کشاند. توده ای شدن اعتراض علیه این طرح و گسترش اعتراض به آن امروز ما را در موقعیت بسیار قدرتمندتری قرار داده است. امروز میتوان ضمن بوجود آوردن اتحادی گسترده برای عقب راندن این تهاجمات، به کمپینی اعتراضی برای برداشتن حجابها، دامن زد و رژیم را در این عرصه نبرد به شکست نهایی کشاند. بنابراین من به دو نکته تاکید دارم. اول تقابلی سازمانیافته و متحد در مقابل طرح مقابله با بدحجابی رژیم. به این معنا که باید هر جا که مردم شاهد تعرضی به دختران و جوانان از سوی نیروی حزب الله و مامورین رژیم هستند فوراً اعتراض کنند و آنها را از دست این مزدوران رها کنند. مامورین نهی از منکر و اوباش حزب الله را باید هو کرد و کاری کرد که مجبور به ترک فوری محل شوند و محلات را برای حضور خود ناامن ببینند. کاری که بطور مثال در همین چند روز در بسیاری از نقاط تهران و یا در نمونه ای در اراک شاهدش بودیم و این مزاحمت ها به درگیری مردم با مامورین رژیم منجر شد. در همین رابطه گروههای جوانان معترض در محلات میتوانند کاری کنند که نیروهای رژیم جرات وارد شدن به آن محل را نداشته باشند و محلات را برایشان ناامن کرد.

بویژه دانشجویان در این رابطه نقش مهمی میتوانند داشته باشند. همانطور که در دانشگاه شیراز شاهد بودیم که دو روز اعتراض گسترده دانشجویان به عذر خواهی رییس دانشگاه از آنان و پس گرفتن قوانین جدیدی که در ارتباط با نوع پوشش و داشتن حجاب از سوی او اعلام شده بود، منجر شد. اعتراضی که بطور واقعی در برابر کل جامعه راه قرار میدهد و الگویی است برای نه تنها مقابله با تهاجمات دولت بلکه برای به کرسی نشاندن خواست لغو حجاب اجباری و آپارتاید جنسی در دانشگاهها. امروز فضای اعتراض در دانشگاهها بسیار بالاست و یک موضوع اعتراض نیز همین است. باید به این

اعتراضات شکل داد.

تاکید دوم من بر شکل دادن به تعرضی سازمانیافته برای برداشتن حجابها است. امروز فضای جامعه برای چنین تعرضی کاملاً فراهم است. باید آنرا شکل داد. بطور مثال میتوان در مراسم ها و مناسبت های مختلف بصورت جمعی حضور یافت و در حالیکه تعدادی از زنان توسط جمع بزرگی از دوستان خود حفاظت میشوند، حجابها را برداشت و با شعار نه به حجاب نه به آپارتاید جنسی، بر پای آکسیونهای اعتراضی حول برداشتن حجاب را در دستور گذاشت. میتوان بطور جمعی در اتوبوس سوار شد و در آنجا با برداشتن حجاب به مردم توضیح داد که حجاب این سمبل بربریت و پرچم جمهوری اسلامی را باید برداشت و آنها را تشویق به انجام این کار کرد و بعد از انجام حرکت آکسیونی خود، بصورت جمعی از اتوبوس پیاده شد. میتوان در کوه و سینما و اماکن عمومی مختلف به همین شکل فرصت هایی بوجود آورد و این اعتراض را بصورت گسترده و سراسری سازمان داد. خلاصه اینکه اشکال آنرا میتوان یافت. مهم اینست که این موقعیت را دریافت ویر اهمیت سیاسی این اعتراض در اوضاع خطیر امروز واقف بود.

بی حجاب: در آستانه اول ماه مه و روز همبستگی کارگری هستیم. آیا می توان مبارزه با آپارتاید جنسی و مقابله با این یورش رژیم را هم در لیست مطالبات کارگری گذاشت؟ چکار می شود در این روز کرد؟

شهلا دانشفر: مساله حمله به زنان و جوانان که امروز دارد تحت عنوان طرح مقابله با بدحجابی صورت میگیرد، مساله کل جامعه است. مساله مستقیم خود کارگران است. این طبقه کارگر است که به این شکل دارد مورد تعرض قرار میگیرد. بنابراین روشن است که باید یک موضوع اعتراض آن در اول ماه مه نیز همین موضوع باشد. تبعیض علیه زنان

یعنی ایجاد شکاف در صفوف طبقه کارگر و مورد تهاجم قرار دادن مستقیم زندگی و معیشت آن. بعلاوه در جامعه ای که با چنین توحشی، بخشی از مردم مورد تهاجم قرار میگیرند، سرکوب و خفه کردن اعتراضات کل جامعه راحت تر ممکن است. باید به هر گونه تبعیض علیه زنان معترض شد. نباید اجازه داد که بیش از این بربریت را بر جامعه حاکم کنند. باید در مقابل این تهاجمات ایستاد. طبعاً هر ساله یک خواست کارگران در قطعنامه های اول مه تاکید بر برابری حقوق زن و مرد و رفع تبعیض از زنان و لغو حجاب و آپارتاید جنسی بوده است. ما این خواستها را در قطعنامه های مختلف در مناسبت های مختلف در جامعه نیز شاهد بوده ایم. امروز ارتباط این مساله به اعتراض و مبارزه کل جامعه آشکارتر از هر وقت است. میتوان نشان داد که حجاب فقط یک پوشش نیست. یک پرچم است. پرچم اسلامی سیاسی و چماق سرکوب رژیم است. بنابراین امسال باید بر روی این خواست تاکید بیشتری گذاشت و همانطور که اشاره کردم این موضوع یکی از بندهای مهم قطعنامه های اول مه را تشکیل دهد. باید در این روز تعرض رژیم به زنان و جوانان تحت عنوان طرح مبارزه با بدحجابی را شدیداً محکوم کرد. باید در این روز بار دیگر جنبش کارگری بر همبستگی خود بر جنبش آزادی زن تاکید کند و با شعار آزادی زن آزادی همگان است بر رفع تبعیض علیه زنان تاکید بگذارد. تجمعات هزاران نفره اول مه میتواند فرصتی باشد برای برداشتن عملی حجابها و اعتراضی وسیع علیه حجاب و آپارتاید جنسی. باید در تدارک اول مه و سازماندهی اعتراض در این روز به این موضوع مهم نیز جایی مهم داد.

خوانندگان عزیز،

بعلت بیماری من این شماره نشریه بی حجاب با تاخیر منتشر می شود. همانطور که می بینید بعضی از مطالب قدیمی هستند و احتمالاً صدای اعتراض نویسندگان آنها هم در خواهد آمد. اجازه بدهید همینجا از آنها هم پوزش بخواهم. امیدوارم درد دست من هر چه زودتر خوب شود و من بتوانم از این به بعد نشریه را به موقع در بیارم. مخصوصاً اینروزها که مبارزات زنان و جوانان در ایران بر علیه حجاب شدت گرفته است و ما هم کمپین بین المللی در دفاع از این مبارزات راه انداخته ایم، نشریه بی حجاب باید بتواند نقش موثرتری داشته باشد.

از همکاری شما دوستان عزیز استقبال می کنیم. با ما تماس بگیرید و با مطالب و سوالات و اظهار نظرات خود به بهتر شدن نشریه کمک کنید.

موفق باشید

سهیلا شریفی

نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی

آناتومی جنبش علیه حجاب در ایران

در مورد جنبش علیه حجاب در ایران، مقاله و تحقیقات بسیار کمی توسط سایر گروهها و فعالین حقوق زنان نوشته شده. این در حالی است که در تاریخ معاصر ایران و نه تنها در ایران بلکه حتی در سطح بین‌المللی کمتر میتوان جنبشی چنین گسترده و فراگیر و در عین حال بدون پشتیبان و ناشناخته یافت. یکی از دلایل اصلی این بی‌اعتنایی، انکار وجود چنین جنبشی در ایران است. در این مقاله سعی میکنم جنبش علیه حجاب در ایران را با یک نگاه عمیق‌تری بررسی کنم. سرتیترها و خطوط پدیده جنبش علیه حجاب در ایران را ذکر کنم. برخورد احزاب سیاسی و جریانات فمینیستی به این پدیده عینی و اجتماعی را مورد بررسی قرار داده و نقش و جایگاه این جنبش در کل جنبش برای آزادی و برابری و سرنگونی جمهوری اسلامی را مطرح کنم. ضعف‌ها و کمبودهای این جنبش را برجسته ساخته و راههای فائق آمدن بر آن را بیان کنم. همچنین در این بحث به دلایل و ریشه‌های سیاسی بی‌اعتنایی و انکار این جنبش در ایران نیز بطور خلاصه میپردازم. آیا ما در ایران با پدیده‌ای به نام جنبش علیه حجاب مواجه‌ایم؟ این اولین و مهمترین سوالی است که در مقابل این مقاله قرار میگیرد. اگر ما در ایران با پدیده‌ای به نام جنبش علیه حجاب روبرویم، مشخصات این جنبش چیست؟ چگونه میتوان اثبات کرد که جنبشی به نام جنبش علیه حجاب داریم؟ این جنبش در سیر شکل‌گیری خود چه روندی را طی کرده و چه افق و دورنمایی دارد؟ به این سوالات میپردازم.

مشخصات جنبش علیه حجاب در ایران

ما در ایران با یک جنبش عظیم و اجتماعی به نام جنبش اعتراض به حجاب روبرویم. جنبش بطور کلی تلاش و مبارزه پی‌در پی گروهی از جامعه برای رسیدن به اهداف مشترک و اجتماعی است. جنبش‌ها اساساً خصلت اپوزیسیونی دارند یعنی مخالف خط و بستر اصلی و حاکم در جامعه حرکت میکنند. بنابراین جنبش‌ها عموماً یک پدیده اعتراضی اجتماعی است که هدفشان ضمن اعتراض، تغییر وضع موجود در حیطه موضوع کارش میباشد. اما مشخصات جنبش علیه حجاب در ایران چیست؟

اجتماعی مداوم، بی‌وقفه و متنوع است. علیرغم سرکوب‌های گسترده دستگاه‌های پلیسی و نظامی جمهوری اسلامی، علیرغم تصویب مکرر صدها قانون و تبصره در پارلمان و ارگان‌های دولتی و اجرایی، علیرغم بگیر و ببندها و وسیع چند هزار نفره، علیرغم بمبارانهای تبلیغاتی هر ساعته در رادیو و تلویزیون و رسانه‌های گروهی، علیرغم ایجاد موانع و محدودیت برای ورود به سالن‌ها مراکز و امکان عمومی، مقاومت و اعتراض به حجاب همچنان روزه روز گسترده‌تر و عمیق‌تر در جامعه جریان دارد.

موارد فوق‌مهمترین مولفه‌ها و خصوصیات جنبش علیه حجاب در ایران است.

احزاب سیاسی و جنبش علیه حجاب

جنبش‌های اجتماعی جنبش‌هایی بدون ارتباط با احزاب سیاسی نیستند. احزاب سیاسی در سطوح معینی منعکس‌کننده خواسته‌ها و مطالبات جنبش‌ها هستند. در همدیگر تأثیرات متقابل گذاشته و در ارتباط با هم رشد یا افول میکنند. با حاکمیت رژیم اسلامی در ۲۷ سال گذشته و ظهور جنبش گسترده زنان بر علیه آن، مساله زن به یکی از مسائل محوری و حاد در جامعه ایران تبدیل شده است. گرایش‌های سیاسی مختلف، چشم اندازه‌های متفاوتی در مقابل جنبش زنان طرح می‌کنند و یا حداقل سعی می‌کنند اخلاص خود را به این جنبش نشان دهد. این تلاشها بویژه از چند سال پیش شدت بیشتری گرفته است. برخورد احزاب سیاسی با جنبش علیه حجاب قابل مطالعه و بررسی است.

احزابی که ما اینجا به نقد مواضع ایشان میپردازیم عموماً احزاب اپوزیسیون هستند. احزاب قانونی و خودی در واقع خود تابع همان سیاست‌های حکومتی بوده و لزومی برای بررسی مواضع احزاب حکومتی نیست. همچنین اینجا موضع تک‌تک احزاب مورد بررسی قرار نمیگیرد بلکه بستر اصلی این احزاب با توجه به گرایش‌های سیاسی اجتماعی و فرهنگی‌شان نقد میشود. احزاب سیاسی را در کل میتوان به احزاب پرو غربی، احزاب ملی اسلامی و کمونیسم کارگری تقسیم بندی کرد.

احزاب پرو غربی

احزاب پرو غربی شامل سلطنت طلبان، مشروطه طلبان، و جمهوری خواهان میشود. این احزاب از آنجاییکه احزابی هستند که الگو و مدل سیاسی و اقتصادی خود را از غرب میگیرند در خصوص حجاب احزاب منتقدی‌اند. اما نقد این احزاب به حجاب نقد محدودی است و تابع سیاست عدم رنجش مسلمانان است. این احزاب درست مانند احزاب اسلام نواز غربی احزاب روشنگر و پیگیر و ضدحجاب به معنی مدافع آزادی و برابری کامل زنان نیستند. این احزاب تقدشان به سنت و مذهب تا جایی است که بازار و رقابت آزاد بتواند بدون مشکل و مانع مذهبی سنتی به حیات خود در صحنه اجتماعی و اقتصادی جامعه ادامه دهد. احزاب پرو غربی چه در گذشته و چه اکنون اساساً خواهان حفظ بخشی از نهادهای مذهبی و سنتی در جامعه هستند و از اینرو با پدیده حجاب نیز تاکتیکی و با احتیاط برخورد میکنند. بعداً خواهیم داد که همین موضع محدود این احزاب در قبال مسئله حجاب در برخورد با جنبش علیه حجاب چگونه با بی‌اعتنایی کامل خود را نشان میدهد.

احزاب ملی اسلامی

این احزاب در برگیرنده طیف وسیعی از احزاب ناسیونالیست و ملی‌گراست. از مجاهدین و جبهه ملی و حزب توده و اکثریت گرفته تا راه کارگر حزب رنجبران و طوفان و بنی صدر و نهضت آزادی، کلا گروه بندی این طیف را تشکیل میدهند. سنت‌گرایی و احترام به شعائر و سنت‌های مذهبی با توجیه احترام به باورهای خلق یک ویژگی مهم این احزاب است. این احزاب احزاب ضد غربی و خصوصاً ضد فرهنگ غربی‌اند. حجاب را جزو فرهنگ خودی و ملی میدانند. بخش اعظم این احزاب خود در جریان تحمیل حجاب اجباری به زنان توسط جمهوری اسلامی یا مستقیماً نقش داشته یا مشوق و هورا کش این تعرض بوده است. و چه‌ترین شان نظاره‌گران آرامی بوده که معتقد بودند و هستند که مسئله حجاب و مبارزه علیه حجاب مسئله واقعی زنان نیست. بخش‌چپ این احزاب حجاب را جزو حقوق دمکراتیک مردم به حساب می‌آورد. بخشی لباس مبارزه با امپریالیسم و مظاهر فرهنگی آن میدانند.

۱- اعتراض به حجاب یک پدیده وسیع و اجتماعی است که در اشکال مختلف اعتراض خود را به حجاب اجباری نشان میدهد. بخش قابل توجهی از زنان ایران با گذشت ۲۷ سال از اعمال سیستماتیک حجاب اجباری نسبت به حجاب معترضند و در جنگ و گریز خیابانی مداوم با جمهوری اسلامی قرار دارند. اعتراض علیه حجاب اجتماعی است. وسیع است. و طیف وسیعی از زنان و دختران را در برمیگیرد. اعتراض به حجاب محدود به محلات شهر، موقعیت شغلی، گروه سنی، شهر یا محیط خاص نیست. اولین چیزی که در بررسی اعتراض به حجاب میبینیم همین گستردگی و توده‌ای بودن این اعتراض است.

۲- اعتراض به حجاب خصلت اپوزیسیونی دارد. مخالف سیاست قوانین و سنت‌ها و نورمهای حاکم در جامعه است. یک پدیده خلاف جریان است. حجاب در ایران از سن ۹ سالگی اجباری است. سرپیچی از آن مجازاتهای قانونی دارد. متخلفین را دستگیر میکنند. زندانی میکنند. جریمه میکنند. شلاق میزنند. اسید میپاشند. مورد توهین و تحقیر قرار میدهند و به اشکال مختلف با کسانی که حجاب را رعایت نمیکند برخوردهای تند و خشن و قانونی میکنند.

۳- اعتراض به حجاب یک نماد مقاومت زنان علیه نورم‌های اسلامی و سنتی حاکم است. اعتراض به حجاب یک اعتراض غریزی و ابتدایی زنان علیه تمامی نابرابریها و تبعیضات جنسی در ایران است. نمادی برای نمایش این اعتراض وسیع در جامعه است.

۴- اعتراض به حجاب پشتوانه فرهنگی دارد. متکی به یک فرهنگ مدرن، پیشرو، آزادیخواهانه و برابری طلبانه است. از پیشرو

۵- اعتراض به حجاب خصلت سیاسی دارد. شایداً سیاسی است. حجاب در ایران اساساً توسط دولت و ارگان‌های سیاسی و قانونگذاری در جامعه با زور و فشار پلیس و زندان و سرکوب اعمال میشود. لاجرم اعتراض به حجاب، یک اعتراض سیاسی در جامعه ایران است.

۶- اعتراض به حجاب یک اعتراض

حجاب‌ها را دور بریزید

فمینیست‌های نوظهور اسلامی

شاید بد نباشد در چهارچوب نقد احزاب سیاسی گریزی هم به جریان‌ات نوظهور فمینیستی اسلامی زد.

جریان موسوم به فمینیسم اسلامی با عروج اسلام سیاسی در ایران و کشورهای اسلام زده در بیست سال گذشته و شدت یافتن ستم و تبعیض جنسی، بخشی از زنان مسلمان دیدگاه اصلاح موقعیت زنان در چهارچوب اسلام و ارائه تفسیرهای مدافع زن از مبانی اسلام را بعنوان راه حلی برای تعدیل زن ستیزی همه جانبه رژیم اسلامی طرح کردند. اما مبانی نظری این گرایش نه از جانب خود این زنان بلکه از طرف بخشی از فمینیست‌ها و آکادمیسین‌های ایرانی و غیر ایرانی در غرب فرموله شد. این تئوریها در راست‌ترین تبیین مدافع نسبیت فرهنگی بوده و در ملایم‌ترین شکل، خواهان تعدیل قوانین و احکام ضد زن اسلامی در ایران و جوامع مشابه هستند. گرایشی که اساسا مانند پروژه دوم خرداد در بطن اعتراض اجتماعی جنبش زنان بلند میشود. اما خصلت ابزاری و تحریف کننده دارد. این جریان زیر فشار سنگین و خرد کننده جنبش رادیکال، آزادیخواه و برابری طلب زنان است. از دل این جنبش بلند میشود تا کل جنبش را مهار و کنترل کند. تا افق‌های رادیکال این جنبش را کور کرده و افق‌های محدود تنگتری را به آن تحمیل کنند. این دیدگاه و مدافعانش در مخالفت با آنچه که زیاده روی و قشریگری مقامات اسلامی می‌نامند، با دادن تفسیرهای متفاوت از آیات و سوره‌های قرآن و با اتکا به اینکه حق اجتهاد حق هر

مسلمان است و نه فقط مجتهدین، می‌کوشند وضعیت زنان را بطور میکروسکوپی بهبود ببخشند و اسلام را هم از گزند تعرض مردم مصون کنند.

این جریان نیز دو بخش راست و چپ دارد. بخش راست شان در واقع فمینیسم دولتی است.

عروج و افول فمینیسم دولتی

فمینیسم دولتی نوعی تلاش شبه فمینیستی است که قصد تولید مشروعیت اجتماعی برای دولت از زوایه زنان دارد. این جریان از موضع دولت حرف میزند. تلاش میکند از سویی برای دولت اعتبار اجتماعی درست کند و از سوی دیگر مطالبات و حقوق زنان را در اشکال کاریکاتوریستی تحریف، محدود و سرکوب کند. فائزه رفسنجانی در دوران دولت رفسنجانی نماد و شاخص این جریان است. در دوران خاتمی نیز استفاده ابزاری و دولتی از جریان شبه فمینیستی وسیعا به کار گرفته شد و طیف وسیعتری از فعالین فمینیست جنبش ملی اسلامی را در خدمت این امر کشاند.

انتخاب خاتمی که خود مصحول نه مردم به کل رژیم و تعمیق و تشدید جدال درونی حاکمیت بود فرجه‌ای برای رشد و گسترش جنبش‌های اجتماعی در دل شکاف‌های ایجاد شده در حاکمیت بود. جنبش زنان بطور عموم و جنبش علیه حجاب بطور اخص نیز در این دوران تحرك تازه تری بخود گرفت. اختلاف و جدال درون حاکمیت به عرصه حجاب و جنبش علیه حجاب نیز کشیده شد. پدیده دوم خرداد و خاتمی و جنبش اصلاحات پدیده گذرایی در صحنه سیاست جامعه ایران بود. سیل جنبش رادیکال توده‌ای از پدیده

دوم خرداد عبور کرد. دوم خرداد قادر نشد مطابق فلسفه وجودی اش جنبش رادیکال توده‌ای مردم را به خانه بفرستد. دوم خرداد در فاصله کمی فرو ریخت. آوار ریزش دوم خرداد در اپوزیسیون و جناح محافظه کار دولتی تجزیه شد. فمینیسم حاصل آن نیز به همین سرنوشت دچار شد. با ریزش دوم خرداد و عروج احمدی نژاد این جریان فمینیسم اسلامی در اشکال جدیدتری و در قالب نیمچه اپوزیسیونی اظهار وجود کرد.

نمایندگان این جریان امثال شیرین عبادی هستند که تمام تلاش اشان جستجو با میکروسکوپ در لای آیه‌های قرآن برای نشان دادن عدم تعارض اسلام با حقوق بشر و حقوق زنان است. این جریان نیز در واقع در بستر جنبش ملی اسلامی قرار دارد. اما شدیداً متأثر از جنبش رشد یابنده زنان است و فشار جنبش علیه حجاب را روی دوش خود حس میکند. برخورد این جریان‌ات به حجاب نیز مانند عموزاده هایشان بی‌اعتنایی کامل و فرعی انگاشتن آن است. جریان غالب بر رهبری کمپین یک میلیون امضا، کلکسیونی از ملغمه جنبش ملی اسلامی است که حجاب را پرچم و سمبل مبارزه خود فرض دانسته و کوچکترین اعتراضی به آن ندارد.

بطور کلی هیچکدام از شاخه‌های متنوع فمینیسم نوظهور اسلامی و فمینیسم جنبش ملی اسلامی پای مسئله حجاب و تقویت و رشد جنبش علیه حجاب نیامدند. سیاست این جریان از ابتدا تا کنون همان سیاست کتمان و انکار و بی‌اهمیت انگاشتن این جنبش بود. اما علیرغم موضعگیریها و تبلیغات و فعالیتهای این جریان و مستقل از آن، جنبش علیه حجاب در ابعاد خیره کننده تری جلورفت. برداشتن علنی حجاب در

خیابانها کوتاه شدن مانتوها و شلوارها تبدیل شدن روسریها به شال‌های باریک و غیره در ابعاد وسیع و اجتماعی تماما ویژه گیهای میلیتانت تر این جنبش را نشان میدهد.

کمونیسم کارگری

حزب کمونیست کارگری تنها حزب سیاسی اپوزیسیون است که از ابتدا و از بیخ و بن نگرش دیگری به مسئله حجاب دارد. تنها جریانی است که در مقابل یورش اولیبه جمهوری اسلامی به زنان در کنار زنان و اعتراضاتشان قرار گرفت. تنها جریانی است که توجه جدی به مسئله حجاب و جنبش علیه حجاب داشته است و همواره موضعگیریهای صریح، قاطع، روشن و بی‌تخفیفی در دفاع از جنبش علیه حجاب داشته است. تنها جریان اپوزیسیونی است که در کل تاریخ ایران سنت حجاب سوزان را راه انداخته و حول مسئله حجاب نه تنها در ایران بلکه در اروپا کمپین‌های قوی و موثری را سازمان داده است. برای کمونیسم کارگری حجاب پرده‌ای از آپارتاید جنسی و تبعیض و بی‌حقوقی زنان است. تنها جریان چپ است که مبارزه علیه حجاب را فرعی نکرده و به دوران ما بعد سوسیالیسم گره زده است. برای کمونیسم کارگری مبارزه علیه حجاب بخشی از یک مبارزه مهم برای سرنوختی جمهوری اسلامی و جزئی از یک حرکت و جنبش وسیعتر علیه آپارتاید جنسی و دفاع تام و کمال از مطالبات و حقوق زنان است.

در قسمتهای بعدی به بررسی جنبش علیه حجاب و موانع و مشکلات آن و راههای فائق آمدن بر این موانع و افق‌ها و چالش‌های اساسی فرا روی آن میپردازیم.

این پاشنه آشیل رژیم است و باید به یک شکست سیاسی تمام عیار برای رژیم تبدیل شود. هر جا به حجاب زنان بند کردند دست به تجمع بزنیسم و جلوشان را بگیریم. مامورانشان را هو کنیم و فراری دهیم. در دسته‌های متعدد در میداین شهرها و در اتوبوسها اعلام بی‌حجابی کنیم و حجاب‌ها را بیندازیم و دیگران را تشویق به اینکار کنیم. محلات را از کنترل عوامل سرکوب خارج کنیم و بی‌حجاب اعلام کنیم. دانشگاهها یکی از مهمترین مراکز اعتراض به هجوم رژیم به زنان و جوانان است. مقررات اسلامی در دانشگاهها را عملاً ملغی کنیم و بر آزادی پوشش در سراسر جامعه تاکید کنیم. از مبارزه معلمان و کارگران حمایت کنیم و همه جا رژیم را در محاصره اعتراضات خود قرار دهیم. روز ۹ اردیبهشت

دختر و پسر نیز مقابله کند. این یک اقدام پیشگیرانه است اما به ضد خود تبدیل خواهد شد. طبق گفته فرمانده نیروی انتظامی، تنها در عرض ۴ روز ۱۵۰ هزار دختر و پسر جوان را دستگیر کردند. این آمار که فقط به تهران مربوط میشود، گویای ابعاد وسیع مقاومت و اعتراض مردم است. همین اعتراض گسترده است که مقامات را به جان هم انداخته و شکست طرحشان را مسجل کرده است. پیروزی دانشجویان دانشگاه شیراز در مقابل مقررات سختگیرانه نسبت به پوشش، ناتوانی رژیم را برای همگان عیان کرد.

زنان، جوانان، مردم آزادیخواه جمهوری اسلامی باید از شما مفتضحانه شکست بخورد. رژیم حریف جنبش توده‌ای ما علیه حجاب و مقررات اسلامی نمیشود.

حجاب را دور بیندازید

فقط چند روز پس از آغاز دور جدید یورش رژیم به زنان و جوانان، اختلاف در میان بالاترین مقامات حکومت به رسانه‌ها کشیده شده و شکست حکومت نمایان شده است. به نیروی انتظامی انتقاد میکنند که نباید دخالت میکرد، برخی گفتند با دخالت نیروی انتظامی و برخورد خشن به جوانان، اعتماد به نظام کمتر میشود، تعدادی از نمایندگان مجلس از وضعیت خطرناک حکومت صحبت کردند، یکی گفت مسائل مهمتری در کشور داریم، وزیر ارشاد رسانه‌های مجاز و خودی را تهدید کرد که اگر هماهنگ با دولت علیه بدحجابی حرکت نکنند، با آنها با اقتدار برخورد خواهد شد و نماینده‌ای در پاسخ به او گفت که تهدید

رسانه‌ها ناشی از ناتوانی در پاسخ به انتقاداتی است که از بطن جامعه برخاسته است و بالاخره رئیس قوه قضائیه گفت کشاندن دختران و پسران جوان به کلاتری‌ها فقط ضرر اجتماعی دارد.

میگویند اسبها در سریالانی همدیگر را گاز میگیرند. حکومت اسلامی نیز مدت‌ها است دارد از سریالانی بالا می‌رود و روز بروز کارش سخت تر میشود. اعتصابات کارگری گسترده است، اعتراضات دانشجویی هرروز وسیعتر و پر دامنه تر میشود، اعتراضات ممتد، سراسری و قدرتمند معلمان جامعه را تکان داده است، و به این مجموعه شورشهای شهری را نیز باید اضافه کرد. در چنین شرایطی، رژیم می‌خواهد با میلیونها جوان

حجاب پرچم آپارتاید جنسی است

مبارزه با بد حجابی و موج اعتراضات در دانشگاه ها

بوده ایم که باعث برقراری حکومت نظامی شده است.

حمله به بهانه حجاب به عنوان کارآمدترین ابزار سرکوب حکومت، به عنوان یکی از اولین حربه های جمهوری اسلامی به جامعه برای عقب راندن اعتراضات و مطالبات به حق مردمی دیگر باعث وحشت حکومت شده است!

باید حجاب را برداشت، باید اعتراضات گسترده ای را حول آن برپا کرد و گزیده های اسلام را فراری داد. مردم هر جا می بینند که به جوانان حمله می شود و به بهانه بد حجابی کسی از طرف حکومت مورد تعرض قرار می گیرد باید عکس العمل نشان دهند و اعتراض کنند تعداد مردم بسیار بیشتر از تعداد مامورین حکومتی است مردم باید با استفاده از قدرت جمعی خود اجازه ندهند کسی مورد تحقیر و اذیت و آزار حکومت قرار گیرد.

حجاب شیشه عمر حکومت اسلامی است. نمی توان تصور کرد حکومت اسلامی با خامنه ای و شاهرودی و شورای نگهبان با آن ریش های شان سرکار باشند و زنان بی حجاب باشند و روابط انسانی آزاد در جامعه برقرار باشد. حکومت اسلامی را می توان با برداشتن حجاب ها به لبه پرتگاه کشاند، حجاب برداریم و به عمر حکومت ضد زن اسلامی پایان دهیم.

دانشجویان شیراز و قبل از آن در پی اعتراضات دانشجویان مازندران در کل دانشگاه ها حاصل شده بود.

دانشگاه لرستان هم صحنه پرشور اعتراض دانشجویان به حجاب و مسائل مربوط به تشدید مقررات اسلامی بود. دانشجویان در اعتراض به این اوضاع و فشار مسئولین دانشگاه به دانشجویان و ایجاد فضای بسته و امنیتی اعتراض کردند و کلاس های درس را روز ۵ شنبه تعطیل کردند. تعداد زیادی از دانشجویان در این اعتراضات شرکت دارند که همچنان در جریان است و امیدواریم مثل شیراز به نتیجه برسد.

مسئله حجاب و مبارزه با آن و شعار "حجاب بگیران" اگر برای ۸ مارس روز جهانی زن "شعار" ما بود، اگر آن موقع برایش باستی گفتمان راه می انداختیم، امروز به مسئله همه و گره گاهی برای جامعه تبدیل شده است. حکومت خودش را بر سر حجاب با ۷۰ میلیون نفر درگیر کرده است و هنوز تازه اول طرح سرکوبشان است که خودشان به وحشت افتاده اند. شاهرودی رئیس قوه قضائیه پلیس را محکوم می کند. وزیر ارشاد روزنامه ها را تهدید می کند و وحشت را از حرف ها و کارهایشان می توان دید. از کار خودشان و عاقبتش وحشت کرده اند. فقط در تهران ۱۵۰ هزار دختر و پسر را دستگیر کرده اند. خودشان می دانند تن دادن به این سرکوب ها از مشخصات جامعه ایران نیست و جرقه های اعتراضات خانمان براندازی را در شهرهای اقلید و فردوس شاهد

وسعت همه ایران دید و با اینکه اعلام کرده بود تعدادی از دانشجویان دستگیر شده مسائل امنیتی دارند و به زودی آزاد خواهند شد، مجبور شد همه آن ها را به زودی آزاد کند.

دانشگاه شیراز جایی بود که سیاست های اعمال فشار حکومت شکست سنگینی از دانشجویان و جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی خورد. مسئولان دانشگاه شیراز با اعلام وضع جدید مقررات اسلامی برای دانشجویان می خواستند محدودیت های اسلامی زیادی را به دانشجویان اعمال کنند، علاوه بر آن نهاد های دانشجویی نیز مورد حمله مسئولین حراستی و کمیته های انضباطی قرار گرفته بودند و منحل شده بودند. ولی دانشجویان اینجا هم متحد و پیگیر در مقابل آنان ایستادند و با برپایی یک تجمع اعتراضی شبانه که تا نزدیکی های صبح طول کشید رئیس دانشگاه را مجبور کردند در جمعشان حاضر شود و او را با شعار "دروغگو دورغگو استعفا استعفا" دم دم های صبح راهی خانه کردند. دانشجویان اقتدار و اتحاد خود را به مسئولین ثابت کردند. و این تجمعات و اعتراضات خود را ۳ روز ادامه دادند تا اینکه رئیس دانشگاه با حضور در جمع دانشجویان رسماً عذر خواهی کرد و اعلام کرد تمام بند هاب مصوبه های اسلامی حذف می شوند و دانشجویان خودشان تشخیص می دهند چطور لباس بپوشند و رفتار کنند. این عقب نشینی حاصل همبستگی ای بود که میان

البنته جمهوری اسلامی برای سرکوب مبارزات مردم به انواع ابزار متوصل می شود. و به هر بهانه ای حملاتش را سازمان می دهد. موج اخیر اعتراضات دانشجویی در ایران با دستگیری فعالین دانشگاه مازندران در شهر بابل شروع شد. بیژن صباغ دانشجویی که در ۱۶ آذر و فعالیت های اجتماعی نقش داشته به علاوه ۲ دانشجوی دیگر مورد حمله نیروهای لباس شخصی وزارت اطلاعات قرار گرفتند که بیژن صباغ توسط آنان ربوده شد، ولی دانشجویان توانستند ۲ دانشجوی دیگر را از دست لباس شخصی ها نجات دهند. ولی حمله نیروهای امنیتی به دانشجویان باعث شد ۱۵ نفر از دانشجویان شبانه دستگیر شده و به زندان منتقل شوند.

این آدم ربایی که به قصد مرعوب کردن دانشجویان و سرکوب اعتراضات آنان صورت گرفت بلافاصله توسط دانشجویان پاسخ محکم و در خوری گرفت. دانشجویان یک سری از اعتراضات گسترده، پی گیری و هماهنگی را پیش بردند و با و خبر رسانی خوب و به موقع و تجمعات اعتراضی خود توانستند موجی از اعتراضات را در دانشگاه های دیگر ایران به وجود بیاورند و از این طریق حمایت های وسیعی از مبارزاتشان از جانب سایر دانشجویان جلب شد و این حمله حکومت به فعالین دانشجویی به ضد خودش تبدیل شد. با ایجاد این هماهنگی و اتحاد سراسری بین دانشگاه های مختلف حکومت خود را در مقابل یک موج عظیم اعتراضی به

اطلاعیه شماره ۱ کمپین علیه حجاب در ایران

عربده کشی های امامان جمعه و سران جمهوری اسلامی علیه زنان و جوانان

و آزادخواه و سازمان های مدافع حقوق زنان در سراسر دنیا را فرا میخواند که به اعتراضات انجام گسیخته جمهوری اسلامی اعتراض کرده و خواهان آزادی پوشش و لغو حجاب در ایران شوند.

آدرس های تماس با ما :

فرشاد حسینی:

farshadhoseini@yahoo.com

0031630414073

سهیلا شریفی:

sohailasharifi@yahoo.com

738 11 91 771 0044

آدرس ویلاگ کمپین:

h.t.t.p.nabehejab.biogta.com

کمپین علیه حجاب در ایران

هم بدتر است میگوید: "معضل بی حجابی و بد حجابی از بدترین انواع فسق و فجور در جامعه است. زنان بی حجاب و بد حجاب که با وضع زننده در جامعه ظاهر می شوند، در حقیقت امنیت عمومی و اجتماعی مردم را به مخاطره می اندازند و خفاش شب و گرگ درنده روز هستند."

روزنامه کیهان نیز نوشته است که "عدم مبارزه با بد حجابان ترحم بر پلنگ تیز دندان است."

جمهوری اسلامی تلاش میکند از سوی یخش اخبار برخورد با زنانی که حجاب رعایت نمیکند را کاملاً سانسور کرده و از سوی دیگر از طریق رسانه های گروهی داخلی خود اقدامات سرکوبگرانه خود علیه حجاب زنان را توجیه کند.

کمپین علیه حجاب در ایران همه مردم شریف

به دنبال اجرای طرح مبارزه با پوشش زنان تحت نام برخورد با بدحجابان و مقاومت گسترده زنان علیه این سرکوب لجام گسیخته سران جمهوری اسلامی واکنش های مختلفی انجام دادند. بخشی از سران رژیم از جمله شاهرودی رئیس قوه قضائیه و معاون وزیر کشور اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی نسبت به زنان و جوانان را برای کل نظام خطرناک تلقی کرده و از مقابله وسیع و گسترده زنان علیه جمهوری اسلامی اظهار نگرانی کردند. در عین حال احمدی نژاد و تعداد دیگری از امامان جمعه طی چند روز گذشته منبر رفته و فتوای تشدید برخورد با زنانی که حجاب اسلامی را رعایت نمیکنند صادر کردند.

امام جمعه مشهد با ذکر اینکه گناه معضل بی حجابی و بد حجابی از سرقت و آدم کشی

با تعطیل کردن دانشگاه از اعتصاب سراسری معلمان پشتیبانی کنیم و روز ۱۱ اردیبهشت، دوش به دوش کارگران در اجتماعات اول مه شرکت کنیم. حزب از معلمان و کارگران میخواهد که در تجمعات خود، در سخنرانی ها و قطعنامه های خود حمله به زنان و جوانان را محکوم کنند و از آزادی پوشش و الغای حجاب دفاع کنند. تنها با همبستگی عمیق و گسترده بین بخش های مختلف جنبش آزادخواهانه مردم است که جمهوری اسلامی را همه جا میتوان عقب راند و مبارزات را به پیروزی رسانید.

تن ندادن به حجاب اسلامی و تعرض نسل جوان به فرهنگ و مقررات اسلامی و عقب مانده، گوشه ای از جنبش عظیم توده ای برای آزادی و برابری و رهائی از شر حکومت اسلامی است و شایسته حمایت قاطع همه مردم است.

نه به حجاب نه به آپارتاید جنسی مرگ بر جمهوری اسلامی آزادی، برابری، حکومت کارگری زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

همکار سردبیر: شهلا خباززاده

سردبیر نشریه بی حجاب: سهیلا شریفی

shahlaxabazzade@aol.com

sohailasharifi@yahoo.com